

اگر در اولین مقاله، خودم را متعهد به بازبوسی یادداشت‌های مربوط به رویداد های دوران بی‌روزنامه ماندن شهر نکرده بودم، از نوشتن خاطرات و یادداشت صرف نظر می‌کردم و درخور فهم و استعداد نداشتم‌ام به تحلیل وقایع و حوادث روز می‌پرداختم؛ شاید مفیدتر می‌بود ولی حرفی است که زده‌ام و تعهدی که برای ثبت در تاریخ نموده‌ام ولی کوشش می‌کنم هر چه زودتر وقایع را خلاصه تر بزرگوار کنم و بگذرم تا به مسائل روز برسم. شب بیستم آذر که شب عاشورا بود، شب بسیار تلخ و بدی را گذرانیدم. تقریباً می‌توان گفت نه تنها من، بلکه تمام مردم شهر در جنگ اعصاب پیش بینی نشده‌ای درگیر شدند.

ساعت ۲ بعد از نیمه شب بود که تلفن‌های شهر در هر خانه‌ای که تلفن بود، به صدا درآمد و صدایی آشنای راه دلسوزی یا ناآشنا، با حرارت و تأکید و بعضی با قید قسم، به مردم هشدار می‌دادند که مأمورین رژیم و حکومت منبع آب شهر را با سم بسیار شدیدی مسموم کرده‌اند. از آب لوله مصرف نکنید که مسموم خواهید شد. حتی پسر کم تجربه‌ام اصرار داشت به خانه دوستان و آشنایان تلفن کنید که آب مصرف نکنید. در جوابش گفتم همان عده‌ی بیدوبار که معتقد به هیچ اصولی و عقیده‌ی قیود انسانی نیستند که در این نیمه شب مردم را دچار رعب و وحشت می‌کنند دفتر تلفن شهر را گذاشته‌اند و شناخته و ناشناخته این خبر نادرست را برای مرعوب کردن و ایجاد خوف و هراس در آذهای عموم به هم داده‌اند و لازم نیست این خطای نابخشودنی از تلفن خانه من موجب نگرانی را فراهم کند.

حتی زنگ در منزل در ساعت ۲ بعد از نیمه شب به صدا درآمد و در هوای سرد خودم در درازا بیدار شدم. دختر خانمی که نمی‌شناختم با دلسوزی گفت: آب لوله مصرف نکنید. به قدری عصبانی بودم که بدون اینکه چیزی بگویم، شیر آب مقابل در حیاط را باز کردم و مقابل چشم آن خانم چند تک دست آب خوردم که اطمینان حاصل کنند که آب مسموم نیست.

در اولین ساعات صبح رادیو مشهد طی اعلامیه‌های مکرر به مردم اطمینان می‌دادند که آب شهر سالم است و خطری ندارد. شما را به خدا قدری فکر کنید! وقتی انحطاط فکری و اخلاقی گروهی از خدایی خبر به این درجه برسد که با ایجاد وحشت و نگرانی آذهای مردم را خراب کنند، باید یقین حاصل کرد که عده‌ای ماجراجو فقط از نهضت مردم به نفع افکار پلید خویش بهره‌برداری می‌کنند و الا این چه طرز مبارزه با رژیم است؟! باید قبول کنیم مبارزه مردم از رهبری صحیح برخوردار نیست که گروه ماجراجو جنبش و نهضت مردم را از مسیر اصلی مبارزه اصیل با رژیم فاسد دور می‌سازند و موجبات انحراف قشرهای اجتماع را از راه صحیح فراهم می‌کنند.

امروز در میان مردم به بیمارستان امام رضا^(ع) رفتیم. جمع کثیری از طلاب علوم و مردم پیرامون دیوارهای نرده‌ای بیمارستان راهپیمایی داشتند و شعار

می‌دادند.

مقارن ظهر نماز جماعت به پا شد.

جنازه سرباز شهید محسن مباشرکاشانی که در همدان به شهادت رسیده بود، امروز به مشهد وارد شد. بانجلیل خاص قاطبه اهالی تشییع و در بهشت رضا^(ع) مدفون گردید و در مجلس گوهرشاد از طرف حضرت آیت‌... قمی، مجلس ترحیم به یاد شهید مذکور منعقد شد که جمع کثیری از تمام طبقات در آن شرکت نموده بودند. در این روز چهار کامیون از افرادی هویت و چاقو کشان حرفه‌ای چماق به دست که از قوچان استخدام شده بودند تا در مشهد حادثه جدیدی را به وجود آورند، به دستور سرتیپ جعفری قبل از ورود به شهر برگردانده شد. در نزدیک چناران یک مینی بوس چماق به دستان به دست مردم افتادند که در زد و خورد بین آن‌ها، چهار نفر مزدور اجریر شده از برای ایجاد بلوا، کشته و طرفین تعدادی زخمی به جا گذاشتند.

در همین روز افسری به نام سروان آتشی که شهرت داشت علیه نهضت دست به اقداماتی زده، به وسیله مردم شناسایی و به قتل رسید.

از گروه اعزامی دولت که برای رسیدگی به حادثه بیمارستان امام رضا^(ع) به مشهد آمده بودند، دکتر طباطبایی، معاون وزارت بهداشتی وقت و وزیر علوم، تیمسار کاتوزیان، وزیران کابینه نتوانستند با مراجع تقلید ملاقات کنند.

گویا به آن‌ها گفته شده است اگر برای تحقیق آمده‌اید، به میان مردم بروید. از مردم و شهود عینی و تیر خوردگان بستری در بیمارستان سؤال کنید. از در و پنجره‌های شکسته و آثار گلوله به درود یوار اتاق‌های بیمارستان دیدن کنید.

در جلسه پزشکان که به دعوت دبیر نظام پزشکی مشهد در بیمارستان دکتر مصدق حاضر شده بودند، فقط آقای دکتر طباطبایی توانست شرکت کند و در میان ارباب احساسات خشم آلوده پزشکان علیه رژیم حرف‌ها را بشنود و خود سخنانی بگوید و وعده رسیدگی بدهد. در همان شب، گروه بسیاری از طبقات مردم از هر صنف در محوطه بیمارستان و حتی خیابان‌های مجاور بیمارستان تا صبح مراقب بودند و وظیفه حفاظت بیمارستان را عهده‌دار شدند.

شهرظاهری آرام‌دورونی پرخروش دارد. مردم تظاهرات وسیعی را برای روز دوشنبه ۲۷ آذرماه تدارک می‌بینند. نتیجه تصمیمات گروه پزشکان که خلاصه آن خروج نظامیان از کلیه مؤسسات درمانی و پذیرش بیمارستان‌های دکتر مصدق، امام رضا^(ع) و ۱۷ شهریور و معالجه آنان در تمام ساعات شبانه‌روز و پیوستن داروخانه‌ها به گروه پزشکان و اعلام اعتصاب و تعیین داروخانه‌های کنسپت تا رسیدگی قطعی به حادثه بیمارستان و اطلاع ثانوی شکستن اعتصاب بود. این تصمیم نیز با برنامه‌های خود مدیران داروخانه‌ها و پزشکان جامه عمل پوشید.

عملیات چماق به دست‌های رژیم پهلوی

روز شمار سید اسماعیل آموزگار، تنها روایت روزنامه نگارانه از حمله به بیمارستان امام رضا^(ع) است (بخش دوم)



تصویر گدائنده ای کمدان در یکی از کوکاخ‌های محوطه واقع در محله بیمارستان امام رضا^(ع) در روز شنبه ۲۳ آذر

سید مهدی سید قطبی ا چند روز پیش بخش نخستین روز شمار سید اسماعیل آموزگار را به عنوان تنها روایت روزنامه نگارانه از انقلاب مردم مشهد تا بیستم آذرماه (۱۳۵۷) در گزارشی آوردیم. اونویسنده روزنامه آفتاب شرق بود و همین طور که این روزنامه در نیمه دوم سال ۱۳۵۷ حضور پیش رونده آگاهانه، فعال و مؤثر مردم مشهد و سایر شهرهای این استان را نسبت به اغلب شهرستان‌های

کشور در پیشبرد و پیروزی انقلاب اسلامی درک کرد. او نیز چنین بود و در مقطعی که به دلیل سانسور شدید دولتی، روزنامه‌های خراسان اعتصاب کرده و از اطلاع رسانی اخبار روزهای مبارزات انقلابی مردم مشهد بازمانده بودند. شخصاً در تظاهرات‌های مردمی حضور یافت و یادداشت‌های منحصر به فرد و مستندگونه‌ای از فضای

پرشور و حرارت مبارزه‌ها و جزئیات حضور مداوم، آگاه و سرنوشت ساز عموم مردم مشهد ثبت کرد.

در بخش دوم این گزارش یادداشت‌های سید اسماعیل آموزگار را در باره حوادث و رویدادهای مبارزاتی روزهای ۲۱ تا ۲۶ آذرماه مردم مشهد می‌خوانیم که مهم‌ترینشان واقعه حمله به بیمارستان امام رضا^(ع) در آذر ۱۳۵۷ است.

نداشته. کشتن این افسر بی‌گناه از نظر من گناه بزرگی بود و به فرض آنکه مقصر هم بود، حق آن بود که مردم به خود اجازه انتقام جویی نمی‌دادند و تحقیق را به عهده مراجع ذی صلاح شرعی می‌گذاشتند، به‌رحال گذشته است.

من با نفس آدم‌کشی مخالفم. آدم‌کش هرکسی می‌خواهد باشد؛ قصاص باید باموآزین شرع مقدس اسلام صورت بگیرد و اگر غیر این باشد و به احکام شرع اسلام توجه نشود، هرکس با هرکس خرده حساب و نقار و کینه داشته باشد، به خود اجازه بدهد انتقام بگیرد. نظم اجتماع از هم می‌پاشد. سنگ روی سنگ بند نمی‌شود و اصل «ولکم فی القصاص حیاة یا اولی الالباب» که «صراحتاً امر قصاص را خداوند متعال برای بقا و حیات اجتماع وضع فرموده، عملاً به دست افراد ناصالح از برای تشخیص جرم ضایع و عاقل می‌ماند. ما نهضت اسلامی را برای استقرار عدل و زندگی مسالمت‌آمیزی می‌خواهیم و برای رسیدن به این هدف مقدس قیام کرده‌ایم، نه برای اعمال خشونت و تسویه حساب‌های شخصی و انتقام جویی یا معارضه به‌مثل.

ایراد اصولی دیگری دارم که متوجه نظامیان و مأمورین حمله به بیمارستان است. بیمارستان ارتش - که آن طرف دیوار بیمارستان شاه رضا قرار گرفته- مصدوم غیرنظامی را که اورژانس دارد، به بهانه ارتشی نبودن نمی‌پذیرد اگر همین مردم به همین بهانه، به خانواده و بیماران سرباز و نظامی که در بیمارستان ارتش بستری بودند، حمله می‌کردند و همین عمل ناجوانمردانه شما را در بیمارستان بی‌دفاع ارتش انجام می‌دادند، برای شما ناگوار و ناخوشایند نبود؟!

و اما آن اصل بر طبق پیمان بین‌المللی که در اتحادیه صلیب سرخ جهانی و هلال احمر و شیر و خورشید سرخ ایران منعقد است کلیه بیمارستان‌ها در زمان جنگ مصون از تعرض قوای مهاجم می‌باشد. حتی در میدان‌های جنگ آمبولانس‌های صلیب سرخ آزادانه و مصون از حمله و تعرض زخمی‌ها را بدون توجه به مذهب و ملیت و اینکه این زخمی دوست است یا دشمن، به بیمارستان‌ها می‌رسانند و تحت معالجه قرار می‌دهند.

چگونه سربازان ایرانی، آن هم در بیمارستانی که عنوان دارالشفای حضرت رضا^(ع) را دارد و کاملاً بی‌دفاع است، به خود اجازه می‌دهند دست به این اعمال وحشیانه و ناجوانمردانه بزنند.

به‌رحال روز تلخی بود. من همه‌جای بیمارستان را از طرف راه‌پایان و راه‌پایان‌ها دیدم. از هجده نفر طبیب و پرستار و ارتزن تیر خورده که متأسفانه منجر به فوت یک نفر شد. عیادت کردم اما

به چه حالی؟ یادیده‌اشک بار، همان شب با تهران با وکلای خراسان و رئیس مجلس به عنوان یک فرد خراسانی تماس حاصل کردم. وکلای خراسان قرار شد غیرت به خرج بدهند و در مجلس تحصن اختیار کردند.

دولت هیئتی را برای رسیدگی به ماجرای بیمارستان امام رضا^(ع) به مشهد اعزام

داشت.

رئیس مجلس و دولت با اعلامیه رسمی، اظهار تأسف و عذرخواهی کردند ولی همان طور که به قول شعرا نویسان به درود یوار «تنگ بارتنگ پاک نمی‌شود»، عذرخواهی و اظهار تأسف رئیس مجلس و رئیس دولت هم قلوب جریحه‌دار مردم خراسان را از این عمل وحشیانه مرهم نمی‌گذارد.

مردم فرماندهان هجوم به بیمارستان را شناسایی کرده بودند و اسامی آن‌ها را با ذکر درجه و مقام با خطوط درشت روی دیوارها نوشته بودند. این ضربه دیگری بود که پس از هتک حرمت حرم امام رضا^(ع) از طرف طرف‌داران نادان رژیم حکومت بر پیکر رژیم حاکم وارد آمد.

شنیدم تیمسار سرتیپ عبدالرحیم جعفری پس از بازگشت هیئت رسیدگی به تهران با دو درجه تنزل رتبه نظامی بازنشسته شد و اگر واقعا این خبر درست باشد، همه کاسه‌کوزه‌های حوادث بیمارستان را که ناشی از تمدد و خودکامگی بعضی نظامیان صورت گرفته، بر سر تیمسار جعفری شکستند و قضیه پیگیری و تعقیب و مجازات مقصرین اصلی و حادثه‌آفرین از نظر دولت وقت، خاتمه یافته تلقی شد.

ولی اگر حکومتی ملی زمام امور را به دست گیرد و دادگاه انقلابی تشکیل گردد، نام مقصرین اصلی از قلم نخواهد افتاد، زیرا اطمینان دارم در پیشگاه عدل الهی هیچ ظلمی بدون مکافات نمی‌ماند و هیچ خونی پایمال نخواهد شد.

هر بد که می‌کنی تو مپندار کان بدی/ ایزد فروگذار و گردون رها کند

همه‌ساله از طرف نظامیان، روز ۲۱ آذر به یادبود ۲۱ سال ۱۳۲۵ که شاه قوا به آذربایجان فرستاد و خود ستاد فرماندهی سرکوبی ارتش فرقه دموکرات آذربایجان را که مدت یک سال به رهبری سید جعفر بیسه‌وری استقلال آذربایجان را اعلان کرده و حکومت خودمختار تشکیل داده بود و به حمایت ارتش شوروی که هنوز خاک ایران را در اشغال داشتند، به عهده گرفته که منجر به شکست حکومت خودمختار فرقه دموکرات و فرار بیسه‌وری و غلام یحیی و دارودسته‌اش به خاک شوروی گردید، مراسمی برگزار می‌شد.

قوای ارتش در تمام یادگان‌های نظامی با تجهیزات و حتی شرکت ایالات و عشایر از مقابل عکس شاه رژه می‌رفتند.

امسال به بهانه آنکه ۲۱ آذر مصادف با یازدهم محرم و ایام سوگواری است، مراسم مزبور را تعطیل کردند. ولی علت اصلی این بود که این‌گونه تظاهرات قابل قبول مردم که رژیم حکومت شاه را محکوم کرده‌اند، نبود و تقریباً می‌توان گفت امکان انجام مراسم فراهم نبود. ولی رژیم دست به کار بسیار بی‌مطالعه ضد مردمی به نوع دیگر زدند، یعنی همان عملی را که دو ماه قبل مأمورین ساواک و قوای انتظامی در کرمان انجام دادند، تکرار کردند.

عده‌ای از شبهه‌کولی‌های چماق به دست که در بین نظامیان درجه‌دار با لباس شخصی و زن‌های معلوم الحال، اجیر شده در کامیون سوار کرده بودند به دکان‌های مردم حمله می‌کردند و هر دکان و مغازه‌ای که عکس یکی از آیات عظام را داشت، شیشه‌هایش را می‌شکستند و در بعضی نقاط غارت می‌کردند.

کامیون سوارها عکس شاه را سردست داشتند. این گروه از طرف سربازان مأمور حفاظت و امنیت شهر حمایت می‌شدند.

از خود افسران و وظیفه‌شنیدم که اکثر چماق به دست‌ها گروهبان‌ها و درجه‌داران و سربازان حقوق بگیر ثابت گارد بوده‌اند که دست به این کارها زده‌اند.

اعلامیه ماشین شده به صورت پلی‌کپی در شهر به سرعت پخش گردید و حاکی از آن بود که حضرت آیت‌... العظمی حاج حسن قمی که نهضت مردم مشهد را رهبری می‌کنند، حضرت رضا^(ع) را در خواب دیده‌اند که حضرت در عالم خواب با عتاب به حضرت آیت‌... فرموده‌اند دست از مخالفت با خادم حرم ما یعنی شاه بردارند و مردم را به اطاعت از رژیم شاه توصیه کنید.

این خلاصه‌ای بود از اعلامیه جعلی با نهایت تعجب یک‌زمان در تهران و مشهد کلیه شهرستان‌های استان از قول حضرت آیت‌... العظمی منتشر شد.

معلوم بود طرف‌داران رژیم با جعل خواب‌نامه از قول آیت‌... العظمی قمی، دست به حيله و تزویر بسیار احمقانه‌ای زده بودند که بلافاصله در اعلامیه کوتاهی از طرف شخص آیت‌... این تلاش مذ بوحانه که نه تنها به نفع رژیم نبود، بلکه بیشتر عجز رژیم حاکم را کفایت می‌کرد، خنثی شد.

تکذیب فرمودند اینکه گفته شد، اعلامیه قبلاً حاضر شده بود و در تهران و مشهد یک‌زمان پخش گردید به این دلیل بود که خواب‌نامه و تکذیب هر دو به فاصله چند دقیقه به دست من رسید و فقط نگاه‌های سطحی به اولی کرده بودم و تکذیب‌نامه را هم با دقت که چند تلفن را تهران داشتم که صحت و سقم خواب آیت‌... را سؤال می‌کردند و من به ناچار تکذیب‌نامه صادره از طرف خود آیت‌... را در جواب آن‌ها برای جست‌وجوگران می‌خواندم و قانع می‌شدند و از طرفی خاطر جمع.

در چند سطر بالاتر از تظاهرات بی‌نتیجه طرف‌داران شاه که چماق به دست انجام می‌دادند و مورد حمایت هم بودند، اشاره کردم.

شنیده شد که از طرف حضرات آیات عظام به فرماندار نظامی سرتیپ جعفری تلفن شده بود که خود شما لچاره‌ها را جمع می‌کنید، یا مردم اقدام به جمع‌آوری آن‌ها بنمایند که بلافاصله چماق به دست‌های اجریر شده از شهر جمع شدند و غائله به همین جا خاتمه یافت.

در فاصله ۲۳ تا غروب ۲۵ آذر اثری

از پلیس و قوای نظامی در شهر مشاهده نشده بود، ولی روز ۲۶ آذر قیافه شهر عوض شد. نظامیان با تجهیزات توپ و تانک و مسلسل و پلیس در نقاط بسیار حساس از نظر فرماندار نظامی، موضع گرفته‌اند. حتی بیمارستان امام رضا^(ع) مجدداً در محاصره قوای نظامی قرار گرفت.

تمام قشرهای اجتماع پیوستگی خود را ضمن اعلام همبستگی با دانشگاہیان و فرهنگیان که مورد حمایت آیات عظام و مراجع تقلید قرار گرفته، اعلام داشته‌اند.

در اعلامیه‌ها از کشتار ۱۷ شهریور تهران، واقعه کرمان و تبریز و هجوم سربازان به بیمارستان ۱۷ شهریور (ششم بهمن سابق) و بیمارستان امام رضا^(ع) شدیداً محکوم شده و شهر آستان حوادث پیش‌بینی نشده‌ای است. در این روز رادیو اعلان کرد: مجلس شورای ملی گروه تحقیقی برای رسیدگی به حوادث مشهد معین کرده که تا به امروز از این گروه خبری نشده.

دولت دستوری به استانداران صادر کرده که نظامیان تحت هیچ عنوانی حق ورود به بیمارستان‌ها ندارند، مگر با اجازه رئیس

بیمارستان.

بیمارستان امام رضا^(ع) که از صبح روز ۲۶ آذر در محاصره بود، از صبح روز ۲۷ در محاصره خارج شد و حالت عادی پیدا کرد.